

بازنمایی امر قدسی در نمادهای مناسکی اربعین

نسیم کاهیرده^۱

عفت دماوندی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۸

چکیده

مناسک عزاداری عاشورا بستر ظهور یک نظام نمادین قوی است که مهم‌ترین نقش را در بازتولید هویت شیعی، معنابخشی به حیات شیعیان و تقویت همبستگی میان آنها دارد. در این میان، به نظر می‌رسد استفاده از نمادها سهم بسزایی در تبادل سریع و ماندگارتر پیام‌های معنوی و قدسی میان زائران و ایجاد همبستگی میان آنها داشته است. در مقاله حاضر تلاش شده است تا با اتکاء به رویکرد تفسیری کلیفورد گیرتز که به خلق معنا توسط نمادها و اهمیت آنها در الگودهی و ایجاد همبستگی میان مؤمنان توجه دارد، به تفسیر نمادهای مناسکی اربعین و معانی قدسی پرداخته شود. در این پژوهش با استفاده از روش توصیف عمیق و جمع‌آوری اطلاعات به وسیله مشاهده مشارکتی بر اساس

۱. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور. nasim.kahirdeh@gmail.com
۲. کارشناسی ارشد انسان‌شناسی دانشگاه آزاد تهران. damavandi.effat@yahoo.com

«نمونه‌گیری نظری» به عنوان ابزار اصلی و بررسی تصاویر شبکه اجتماعی اینستاگرام به عنوان ابزار مکمل انجام شده است. خروجی این مطالعه میدانی معرفی و تفسیر اپیزودهای معنایی است که توسط ابژه‌های نمادینی نظیر پرچم، کتیبه، پارچه نوشته، بنر، سربند، کوله، گهواره، ضریح، پنجه، پیکره، چفیه، عبا، تربت و پارچه متبرک در فضای مناسکی پیاده‌روی اربعین بازنمایی می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: مناسک عزاداری عاشورا، شیعیان، مناسک، نمادهای مقدس، دین مادی.

طرح مسئله

ما در جهانی از نمادها زندگی می‌کنیم و جهانی از نمادها در بین ما زندگی می‌کنند. به عبارتی فهم نماد و کشف و شهود نمادین، ما را در یک نوع جهان معنوی قرار می‌دهد. البته نماد وجود ندارد مگر برای کسی یا جمعی که در بعضی جنبه‌ها هم ذات هستند. زبان نمادین عالی‌ترین زبانی است که بشر بدان دست یافته است و زبان مذهب نیز به ویژه مذاهب سامی، سمبلیک (نمادین) است. در مذهب تشیع، مناسک عزاداری عاشورا بستر بروز و ظهور این زبان نمادین است که طی سال‌های اخیر ضمن گستردگی بیشتر، در شکل پیاده‌روی اربعین نمود تازه‌ای یافته است. در این مناسک، استفاده از نمادها وجهی هویت‌بخش برای زائر اربعین دارند. وظیفه اصلی انتقال پیام میان مشارکت‌کنندگان و همچنین انعکاس آن به ناظران بیرونی این مناسک را نیز برعهده دارند؛ چرا که نمادها بیش از زبان، قدرت انتقال دهندگی پیام را دارند و از آنجا که حرکت، عنصر اصلی این مناسک است؛ این نمادها هستند که می‌توانند در حرکت (و نه در سکون) پیام را موجز و سریع منتقل کنند. ضمن اینکه مواجهه زائر با نمادها در مسیر پیاده‌روی، مواجهه‌ای معنا دار از یک حس عمیق مشترک عاطفی است که دارای دو ویژگی می‌باشد: نخست، حس برابری که باعث می‌شود زائران آزادانه و فارغ از هر شأن و مقام اجتماعی و فرهنگی و ملیتی در یک حس مشترک با یکدیگر سهیم و شریک بوده و



رابطه برقرارکنند و دیگر، حس اشتیاق مقدس و توافق ذهنی زائران با عقیده و معانی نهفته در درون نمادهای بکارگرفته شده است. در واقع کاربرد نمادها در این آیین، افراد را هر چه بیشتر در بر بار بودن و یافتن معنا یاری می‌کند و به وحدت احساسی هر چه بیشتر دعوت می‌نماید. افراد همواره با کسانی که از نظر فکری و باورهای اعتقادی مشترک هستند، قادر به برقراری ارتباط و اشتیاق به همراهی در خصوص عقیده و باور مشترک می‌باشند. ترسیم ظلم رفته بر معصوم به واسطه کاربرد نمادها و جاری شدن اشک و غلیان حس اندوه و افسوس از عدم حضور در چنین رویدادی، موجبات تشدید و تجدید پیمان هر چه بیشتر بر علیه دشمنان و نظام ظلم و جور حاکم بر عرصه جامعه جهانی شده و بر روح وحدت و یکپارچی و همبستگی در درون مؤمنان می‌دمد.

نمادها به زائران تجربه پیوسته‌ای از امر قدسی می‌دهند. نشانه‌هایی از واقعیت امر قدسی به واسطه تأثیراتش در زندگی و دنیای آنها نمایان می‌شود که ایمان فرد مومن را تقویت می‌کند. بنابراین مسئله شناخت ابژه‌های نمادینی که در فضای مناسکی پیاده روی اربعین مورد استفاده قرار می‌گیرند از این جهت اهمیت دارد که ما را به معانی مقدسی می‌رسانند که سوژه‌های مؤمن، هم زندگی معنوی و مذهبی خود را با آن سامان می‌دهند و هم در پی بازنمائی آن و نیز انتقالش به دیگران هستند. از این جهت بررسی این نمادها به عنوان ابژه‌هایی ملموس، نقش مهمی در رسیدن به یک توصیف و تحلیل واقعی از فرهنگ شیعی‌ای دارد که طی سال‌های اخیر در بستر مناسک زیارتی اربعین بروز و ظهور پیدا کرده و در حال بازتولید است. فرهنگی مشترک که وراثت ملیت زائران عمل کرده و باعث همبستگی میان آنها شده است. در این میان زائران ایرانی و عراقی به واسطه روابط ریشه‌دار تاریخی و مشترکات فرهنگی زیاد، بیش از دیگر زوار شرکت‌کننده، در فضای مناسکی اربعین به یکدیگر پیوند می‌خورند.

چارچوب نظری

مفهوم معنا، ارتباط نزدیکی با مفهوم نماد دارد. معنا از طریق نمادها منتقل می‌شود که ابزارهای حامل آن هستند. معنا در حقیقت، آن چیزی است که در نظام فرهنگی

جامعه و در تار و پود روابط اجتماعی تعبیه شده و از این رو، تحلیل آن نمی‌تواند بر اساس یک علم تجربی و در جست‌وجوی قوانین انجام گیرد، بلکه باید از طریق یک علم تفسیری و در جست‌وجوی معنا انجام شود (گیرتز، ۱۹۷۳، ص ۲۱ به نقل از فکوهی، ۱۳۸۶). در این نگرش، اشتیاق اصلی کشف معنا از خلال تجربه است. درک دین با نظم و نسق بخشیدن به معنی میسر می‌شود؛ درک نسبت و ارتباط دین با ارزش‌ها، همپای نیازهای رایج زندگی و آنچه پیکره تجربه را شکل می‌بخشد، مناسب است.

از آنجا که مفاهیم، موجودات و نیروهای مذهبی در مفهوم رایج آن «حاضر» نیستند، توسط نمادها و اشیای مذهبی وجه جسمی و مادی بدان‌ها داده می‌شود و در نتیجه مؤمنان آنها را از خلال این فرآیندها «حاضر» کرده‌اند. این ماهیت‌های (معنوی) در اشکال خاصی به واقعیت عادی تبدیل می‌شوند. برخی از آنها بیانگر اشکال ظهور امر متعالی در امر اجتماعی و طبیعی هستند. انسان‌ها، به چیزهایی برای صحبت کردن با آنها، تمرکز کردن بر آنها و حتی بدست گرفتن و دستکاری کردن آنها نیاز دارند. نمادها به ما تجربه پیوسته‌ای از امر قدسی و نیز نشانه‌هایی از واقعیت امر قدسی به واسطه تأثیراتش در زندگی و دنیای ما ارائه می‌دهند.^۱ در واقع دین با نوید رستگاری به پیروانش برای فعالیت دینی، امید و انگیزه بیشتر فراهم می‌کند. راه اصلی رستگاری به جا آوردن مناسب مقدس است. مناسب از نظر گیرتز نوعی جهش هستند. مؤمنان در مناسب دینی به دوران امر قدسی جهش می‌کنند. به همین دلیل پس از مناسب و بازگشت به زندگی عادی، تغییر می‌کنند و به انسان‌های متفاوتی تبدیل می‌شوند؛ مگر این که آن تجربه درست انجام نشده باشد. البته پس از تغییر فرد، جهان نیز تغییر کرده است. اکنون جهان، بخشی از واقعیت گسترده‌تری است که به طور متقابل بر دنیای درون او تأثیر می‌گذارند، آن را اصلاح می‌کند و به کمال می‌رسد. مناسب مجموعه‌ای از اعمال خشک و بی‌روح نیستند، بلکه از داستان‌ها و روایت‌های مقدس طراوت می‌گیرند (همان، ۹۸).

۱. جبار رحمانی، ترجمه قسمتی از کتاب (Eller, Jack David (2007) *Introducing Anthropology of Religion*, London: Routledge

روش پژوهش

روش‌شناسی تفسیری با تمایزگذاری میان پدیده‌های انسانی و طبیعی، بر این اصل استوار است که موضوع جامعه‌شناسی دین، بعد ذهنی و معنایی صورت‌های تجلی‌یافته دین در تاریخ، جامعه و رفتار انسان‌هاست. این الگو، برخلاف الگوی اثباتی که به منشأ دین و کارکردهای آن در سطح کلان جامعه توجه دارد، به بررسی ماهیت نمادها و اعتقادات دینی و نقش آنها در معنابخشی به زندگی فردی و اجتماعی می‌پردازد. پژوهش حاضر با رویکرد تفسیری کلیفورد گیرتز، از طریق بهره‌گیری همزمان روش توصیف مختصر و فریه، ضمن مطالعه ابژه‌های نمادین در فضای مناسکی پیاده‌روی اربعین به تفسیر معانی نهفته در آنها پرداخته است.

گیرتز برای نشان دادن معناداری رفتارهای فرهنگی و برخورداری آنها از معنایی فراتر از نگاه عینی و جهان‌شمول، انسان‌شناس را به روش‌ها و نگاه‌های دقیق‌تر و ژرف‌تری فرامی‌خواند. از این رو، دریافت دیگری را در بافتی «زمینه‌ای» بیان می‌کند و آن را توصیف فریه (Thick Description) در برابر توصیف مختصر (Thin Description) می‌نامد. توصیف مختصر فقط به مشاهده تجربی و ثبت داده‌ها با رویکردی مردم‌نگارانه می‌پردازد، در حالی که توصیف فریه، هنگامی پدید می‌آید که انسان‌شناس می‌خواهد «معنای» داده‌های تجربی را آشکار کند. گیرتز در پاسخ به چگونگی کشف معنا، اعتقاد دارد که کنش اجتماعی در قالب نمادها بیان شده است و باید دید که نمادها چگونه معانی را بازنمایی می‌کنند (تقی زاده داوری، ۱۳۹۵: ۳۸). نمادها در واقع به دو شکل می‌توانند معنا را بازنمایانند: ۱- بازنمایی آگاهانه (Conscious Representation) و ۲- بازنمایی نمادهای پنهان (Hidden Symbols Representation)، که در این پژوهش بازنمایی آگاهانه، مورد نظر است. بازنمایی آگاهانه، چنان که از نام آن پیداست، از دلالت شیء بر یک مفهوم مشخص و به صورت شفاف حکایت دارد. مانند پرچم که نماد کشور به شمار می‌رود و معنا و مقصود آن روشن است (Sherratt, 2006, p.111).

در جمع‌آوری اطلاعات این پژوهش، مشاهده مشارکتی به عنوان روش اصلی و بررسی تصاویر و ویدئوهای منتشر شده در شبکه اجتماعی اینستاگرام به عنوان روش کمکی،

مورد استفاده قرار گرفته است. در نحوه انتخاب نمونه‌ها براساس «نمونه‌گیری نظری»^۱، جمع‌آوری داده‌ها برای تولید نظریه بوده‌است که به موجب آن تحلیل گره‌مزمان به جمع‌آوری، کدگذاری و تحلیل داده‌های خود می‌پردازد و برای اینکه نظریه خود را در حین شکل‌گیری تکمیل کند، تصمیم می‌گیرد چه داده‌هایی را جمع‌آوری و کجاها آن را پیدا کند. معیار پایان گرفتن کار نمونه‌گیری «اشباع نظری» است که در این مرحله، داده‌ها شکل تکراری پیدا می‌کند و اطلاعات جدیدی را به محقق نمی‌دهند (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۷۳).

یافته‌های میدانی

مفهوم معنا، ارتباط نزدیکی با مفهوم نماد دارد. معنا از طریق نمادها منتقل می‌شود که ابزارهای حامل آن هستند. معنا در حقیقت، آن چیزی است که در نظام فرهنگی جامعه و در تار و پود روابط اجتماعی تعبیه شده و از این رو، تحلیل آن نمی‌تواند براساس یک علم تجربی و در جست‌وجوی قوانین انجام شود، بلکه باید از طریق یک علم تفسیری و در جست‌وجوی معنا صورت گیرد. در این نگرش، اشتیاق اصلی کشف معنا از خلال تجربه است؛ لذا آنچه که در ذیل این نوشتار آمده است نتایج میدانی حاصل از چنین رویکردی پژوهشی است:

بعد از اتمام کار نمونه‌گیری و ثبت تصاویر از میدان اربعین و نیز جمع‌آوری هدفمند تصاویر از فضای اینستاگرامی، نمونه‌های بدست آمده مورد بررسی قرار گرفته، تجزیه و تحلیل شدند. ابتدا با جست‌وجو در نشانه‌های ظاهری و بصری و سپس تعمق در این نشانه‌ها، معانی محوری بازنمایی شده توسط نمادهای مناسبی اربعین‌شناسایی شدند. این معانی اصلی در قالب اپیزودهایی، ذیل قاب‌های تصویری مرتبط با آنها، دسته‌بندی شده‌اند:

۱- پرچم

هر جامعه سازمان یافته‌ای دارای علایم و نشانه‌های خاص خود است: توت‌ها،

1. Theoretical sampling

علم‌ها، کتل‌ها، پرچم‌ها که همیشه برنوک یا قله‌ای (بالا و نوک دکل، چادر، بناها، بام‌ها و قصرها) جای می‌گیرد. پرچم‌ها به ترتیب کلی نشانه اعلان جنگ و گاهی علامت فرماندهی، اتحاد و مقاومت است. شمایل‌سازی هندو نیز همین مفهوم را از آن به دست می‌دهد: درفش پیروزی علامت جنگ است و به تبع آن علامت عملی که در دفع نیروهای شرور انجام می‌گیرد. در چین باستان پرچم فقط علامت گروه‌ها و رؤسا نبوده بلکه نبوغ و فضیلت آنها را در برداشته است. حرف و علامت پرچم و جوهر است. پرچمی که در بادگیر جایگاه انجمن‌های خفیه علم می‌شد، ابزار بیدارباش، جنگجویا سالک در عملیات بود، پرچم‌ها عملاً جانشین نیاکان رؤسای قدیم این حجره‌ها بود. گفته می‌شود که پرچم‌ها جانشین نیستند بلکه نیاکان را عرضه می‌کنند و نماینده آنان هستند. حامل علم و کتل آن را روی سر خود بالا می‌رود، یعنی به نحوی به سوی آسمان بانگ برمی‌دارد و خط وصلی میان بالا و پایین؛ آسمان و زمین به وجود می‌آورد. به زعم ریشا دو سن ویکتور، در کتاب *مواعظ و ادعیه ناشناخته*: کتل به معنی برپایی و اهتزاز روح و نشانه انتقال مسیح به ملکوت است. پرچم بالا می‌رود، انسان آن را بالای سر خود نگه می‌دارد و آن را در حین نگاه به آسمان در دست دارد. پرچم در اهتزاز برفراز زمین، با رمز الهی آشنا شده است. این نماد حمایت، همراه با ارزشی می‌شود که علامت مشخصه فرد یا دسته‌ای است. پرچم یک ارباب، یک سردار، یک رییس دولت، یک نبی، یک فرقه، یک صنف، یک حزب و غیره. پرچم نشانه مرام یا ظاهر آن کسی است که زیر آن قرار گرفته است (شوالیه و گربران، ۱۳۹۷: ۳۶۲). پرچم‌ها در نبرد، اساساً نشان برپایی و تشکل به شمار می‌روند و تا زمانی که پرچم‌ها در اهتزاز بودند، از عزیمت لشکریان جلوگیری کرده و از فتح و پیروزی نوید می‌دهند.

یکی از مهمترین ابژه‌های نمادین در فضای مناسکی اربعین، پرچم است. پرچمی که در ذهن شیعیان، نمادی از مقابله امام حسین علیه السلام با جبهه باطل است. از پرچم همواره در اموری که نیاز به حفظ انسجام گروهی بوده، استفاده شده است؛ چراکه به نوعی بیانگر «هویت گروهی» نیز هست؛ معنای اخیر به ویژه در میان عراقی‌ها - به واسطه پررنگ بودن هویت عشیره‌ای و قومی - به شکل بارزتری نمود دارد. از آنجا که در میان اعراب، بالارفتن

پرچم به نشانه عزاداری برای مرگ یکی از اعضای عشیره هنوز هم مرسوم است؛ بنابراین، بالا بردن و حمل کردن پرچم یا علم‌های ابالفصل، نمادی از حضور علمدار سپاه حسین و همچنین نشانه عزاداری برای او است.

در مناسک پیاده‌روی اربعین، پرچم‌های مختلفی در طول مسیر، سردر موکب‌ها و توسط زائران حمل می‌شود، این پرچم‌ها علاوه بر رنگ سیاه که نشانه عزاداری است، به رنگ‌های مختلف از جمله رنگ سفید و سرخ هم دیده می‌شوند. رنگ‌ها نشانه نمادگرایی کیهانی هستند. اولین خاصیت نمادین رنگ‌ها در فراگیری و جهان‌گستری آن است؛ نه فقط جهان‌گستری جغرافیایی بلکه در تمام سطوح، موجودیت و شناخت از جمله کیهان‌شناسی، روان‌شناسی علم باطن و غیره. تفاسیر رنگ‌ها ممکن است تغییر کنند. مثلاً سرخ ممکن است معانی مختلفی بر حسب موقعیت فرهنگی محل پیدا کند. معهداً رنگ‌ها همواره و همه جا چون پشتیبان تفکر نمادین باقی می‌مانند (همان، ۹۱۴). در سنت اسلامی نمادگرایی رنگ بسیار غنی است؛ در این سنت هم باوری کاهنانه در مورد رنگ سیطره دارد. رنگ سیاه نشان از تیره بختی، شومی، ماتم و نماد اتفاق ناگوار به وقوع پیوسته است. سفید، رنگ نور و درخشش و برعکس سیاه، علامتی سعد است. سفید رنگ عرفانی و مظهرالله است و باقیمانده‌ای از آن دورادور سر تمام کسانی که خدا را شناخته‌اند، به شکل هاله‌ای نورانی که مجموع رنگ‌ها است، می‌ماند (شوالیه و گربران، ۱۳۹۷: ۱۰۹۴).

در مسیر پیاده‌روی اربعین، پرچم‌ها بعضاً همراه با نوشته یا شمایی از امام حسین علیه السلام، ابالفصل العباس علیه السلام یا طرحی از شمشیر است. شمایل نگاری بیشتر جنبه عامیانه دارد و برخاسته از زیبایی‌شناسی، اساطیر و باورهای عامه است. به همین علت در دینداری عراقی‌ها، که نوع سنتی‌تری است، پرچم‌های حاوی شمایل و نقاشی بیشتر نمود دارد و در بین زائران ایرانی، پرچم‌های حاوی نوشته و شعار، شعارهایی با مضمون انتظار و ظهور امام زمان علیه السلام، پر شمارتر است.

عکس شماره ۱: تعداد زیادی پرچم به رنگ‌های مختلف از جمله پرچم رسمی کشور عراق، در محل مجموعه‌ای از موکب‌ها برافراشته شده که نماد همبستگی و اجتماع برای

انجام عملی مشترک و مقدس. عزادارای برای امام حسین علیه السلام است. در قالب یک الگوی کهن، در بنیاد و اصل خود، نمادی در جهت تحرک بخشیدن به مردم و گونه‌ای صف آرایی در برابر دشمن را می‌نمایاند و بسیج جمعی در مقابله با بیدادگری را پیش چشم می‌نهد.

عکس شماره ۲: به اهتزاز در آمدن تعداد زیادی پرچم به رنگ زرد در محل مجموعه‌ای از موکب‌ها، نمادی برای بانیان موکب‌ها و نشانه اعلام حضور و موجودیت عشیره‌های عراقی برای میزبانی از زائران اربعین است. استفاده از این نوع پرچم‌های بزرگ و رنگی، بین عشیره‌های عرب ساکن ایران نیز مشاهده می‌شود. ضمن اینکه این نوع از پرچم‌های متحدالشکل و یک رنگ به نوعی مسیر پیاده‌روی را نیز تعیین می‌کنند که بخش عمده آنها را علاوه بر موکب دارها، مسئولین دولتی عراق نصب می‌کنند.

عکس شماره ۳: در این عکس یک گروه کوچک از زنان با خود پرچمی را حمل می‌کنند. این پرچم علامتی است برای اینکه افراد گروه یکدیگر را گم نکنند و نیز معنابخش به حرکت و هدف گروه؛ اینکه آنها با هدف خاصی در حال پیمودن مسیر هستند. شعار روی پرچم اقتدای زائران به ابالفضل و یاری خواستن از او را بازنمایی می‌کند. از جهتی می‌تواند نمایان‌گر این معنا نیز باشد که زائران در پناه این پرچم در حال حرکت و طی طریق هستند.

عکس شماره ۴: در این عکس مردی جوان به تنهایی طی مسیر می‌کند و پرچمی کوچک با مضمون «لبیک یا اباصالح المهدی» را حمل می‌کند که به معنای آمادگی زائر برای تلاش در راه ظهور امام زمان علیه السلام است. این پرچم، نمادی از هدفمند بودن حرکت زائر در مسیر پیاده روی اربعین است.

عکس شماره ۵ و ۶: در این عکس‌ها، پرچم‌هایی با بیرق‌های بزرگ و حاشیه‌دووزی شده عراقی دیده می‌شود که شمایل امام حسین علیه السلام، حضرت ابالفضل علیه السلام و نیز نقاشی یک شمشیر در کنار مضمون یا مهدی در آنها مشاهده می‌شود. در عکس شماره ۵، مضمون پرچم، قداست و معصومیت امام و ابالفضل علیه السلام و نیز دلبستگی زائر به آنها را مشاهده می‌شود و در عکس شماره ۶، معنای امید به ظهور مهدی علیه السلام به عنوان منتقم

خون امام حسین علیه السلام به وسیله تصویر شمشیر روی پرچم و شعار یا مهدی علیه السلام، بازنمایی می‌شود. ضمن اینکه بزرگ بودن اندازه پرچم‌ها، نوع پارچه، رنگ و دوخت سنتی و نیز شمایل نقاشی شده روی آنها به نوعی ویژگی‌های خاص فرهنگ شیعیان عراقی را نمایش می‌دهد.

ترکیب پرچم ایران و عراق؛ نمادی از وحدت در عشقی مقدس: در بررسی تصاویر ثبت شده از میدان اربعین و نیز تصاویر اینستاگرامی، ترکیب پرچم عراق و ایران نیز به طور قابل توجهی به چشم می‌خورد که به نوعی نماد تلاش برای نزدیکی و پیوند بیشتر میان دو ملت، حول محور عشق و ارادت به امام حسین علیه السلام است. این تلاش البته بیشتر از سوی ایرانیان و تیپ‌های انقلابی نمود یافته است و وجهی سیاسی دارد؛ مثلاً در نمونه‌های بالا، در کنار هم گذاشتن پرچم دو کشور و بالا گرفتن پرچم مشترک ایران و عراق، توسط زائر ایرانی، نمادی از تلاش ایرانیان برای سربلندی هر دو ملت است.

۲- کتیبه، پارچه نوشته، بنر

در فرهنگ آیین‌های شیعی، به پارچه‌های سیاه و سفید که بر آنها عبارات و اشعار مذهبی در عزای امام حسین علیه السلام نوشته شده و برای تزئین مکان‌های عزاداری به کار می‌رود «کتیبه» می‌گویند. کتیبه‌ها، پارچه نوشته‌ها و نیز بنرها (برنوشته‌هایی از جنس پلاستیک) از دیگر ابژه‌های نمادین فضای مناسکی اربعین محسوب می‌شوند که به ایجاد فضایی مناسب با حال عزادارن امام حسین علیه السلام کمک می‌کند و مضامینی مقدس و معنوی را بازنمایی می‌کنند.

در عکس‌های شماره ۷، ۸، ۹، ۱۰، بر روی پارچه‌ها و بنرها، شمائلی از ائمه علیهم السلام حک شده است که بر روی سردر موکب‌ها و نیز محیط داخلی آنها نصب شده‌اند. تعدادی از آنها پارچه‌های مشکی مرغوب با گلدوزی و حاشیه دوزی و برخی پارچه‌های ارزان قیمت چاپی هستند. زمینه مشکی پارچه‌ها، شمائلی با رنگ‌های سپید، سبز و طلایی را در خود جای داده‌اند که به نوعی نورانیت و زیبایی این شمایل مقدس را بازنمایی می‌کنند. شمایل‌های دینی را می‌توان کتاب مقدس عامه تعریف کرد. در جهان سنت و

دوران های کهن که عموم مردم بی سواد بوده اند، زبان تصویر مهمترین و اصلی ترین زبان انتقال و بیان نسبتا ماندگار باورها و معانی مذهبی بوده اند. در عکس شماره ۷ در کنار شمائل امام علی علیه السلام در وسط. و امام حسین و ابوالفضل علیهما السلام در دو طرف ایشان. اسامی دوازده امام معصوم علیهم السلام نگاشته شده است که اعتقاد شیعه به همه معصومین و پیوستگی آنها به یکدیگر را بازنمایی می کند. در عکس شماره ۸، صحنه رسیدن حضرت ابوالفضل علیه السلام به کنار علقمه و امتناع از نوشیدن آب. بخاطر یادآوری تشنگی امام حسین علیه السلام. در ابعاد بزرگی روی بنریلاستیکی تصویر شده است. در عکس شماره ۹ بیماری امام سجاد علیه السلام و مراقبت حضرت زینب از ایشان در صحنه عاشورا، نشان داده شده است. این نمونه از تصویرگری ها که معمولا روی سردر اکثر موكب ها مشاهده می شود، وقایع مختلف کربلا را بازنمایی می کنند و ضمن آن معانی و مضامین اخلاقی مانند شجاعت، گذشت، وفاداری و عشق را در ذهن زائران تداعی می کنند.

عکس شماره ۱۱، موكبی متعلق به یک ارگان رسمی را نشان می دهد (روی یکی از بنرها، نام ارگان مربوطه نوشته شده است) که در آن، علاوه بر بنرهای حاوی تصاویر عاشورایی، تصاویری از شهدای ایرانی مشاهده می شود. شهدایی که شهادتشان با هدفی مقدس، در امتداد نهضت عاشورا و اتصال به وجود مقدس امام حسین علیه السلام به انجام رسیده است.

در عکس شماره ۱۲، موكبی کوچک و مردمی نشان داده شده است که روی کتیبه ها، نام معصومین و مضامینی دعایی خطاب به امام حسین علیه السلام و یارانش نوشته شده است که باور و توسل خاص بانیان موكب به این ذوات مقدس را نشان می دهد.

۳- سربند

یکی از ایژه های نمادین مهم در فضای مناسکی اربعین، سربند است، سربندهایی به رنگ سبز، سرخ و زرد که معمولا شعارهایی نظیر یا حسین، یا ابوالفضل، یا زهرا، لبیک یا مهدی، یا ثارالله، کلنا عباسک یا زینب، ان الحسین یجمعنا برآن نوشته شده است. استفاده از سربند تاریخچه طولانی دارد که البته در مورد جامعه ایران بیشتر تحت تأثیر

دوران جنگ تحمیلی و استفاده نمادین آن توسط رزمندگان است و در فضای مناسکی اربعینی هم بیشتر در بین زائران ایرانی دیده می‌شود. استفاده از سربند، قدم برداشتن زائر به عنوان رزمنده اسلام و ادامه دهنده راه امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا را بازنمایی می‌کند. رزمنده‌ای که با پیمودن مسیر کربلا آمادگی خود را برای زمینه‌سازی ظهور امام عصر علیه السلام نشان می‌دهد. در عکس شماره ۱۳، یک زن جوان کاملاً محجبه با سربند «کلنا عباسک یازینب» مشاهده می‌شود، استفاده از این سربند و مضمون خاص آن، معنای پای بندی به حجاب برای پاسداشت حریم حضرت زینب است. در واقع استفاده از این ابژه نمادین نشان می‌دهد که زائر- مانند حضرت عباس- خود را در موقعیت پاسداری و حفاظت از ارزش‌های منتسب به بانوی کربلا می‌بیند. در عکس شماره ۱۴ نیز مردی جوان در حال بستن سربندی مشابه برای خواهرنوجوان خود است. در عکس شماره ۱۵، عبارت «ان الحسین یجمعنا» روی سربند، پیام وحدت میان عاشقان امام حسین علیه السلام را بازنمایی می‌کند. در واقع زائر با انتخاب چنین سربندی، هم عشق خود به امام حسین علیه السلام را نشان می‌دهد و هم هدفی متعالی و هویتی خاص از خود را بازنمایی می‌کند. در عکس شماره ۱۶، پدری برای فرزندش سربند می‌بندد. استفاده والدین از سربند برای فرزندان به نوعی، امید به استمرار عشق به امام حسین علیه السلام در نسل آینده را نشان می‌دهد که در فضای مناسکی اربعین، بسیار هم متداول است.

۴- کوله

در فضای مناسکی اربعین، کوله‌ها هم حامل و انتقال دهنده معانی و باورهای زائران هستند و یکی دیگر از ابژه‌های نمادین محسوب می‌شوند. زائران با نصب پرچم‌های کوچک، تصاویر، نگاره‌ها، شمایل، عبارات و شعارهایی بر روی کوله‌هایشان، معانی مورد نظرشان را، به سان موارد زیر، بازگو می‌کنند.

وحدت دو ملت ایران و عراق حول محور عشق به امام حسین علیه السلام که با چسباندن دو پرچم کوچک از دو کشور بر روی کوله پستی یک روحانی بازنمایی شده است (عکس شماره ۱۷)، نوید دادن تداوم و استمرار عشق به امام حسین علیه السلام در نسل آینده که با

چسباندن پوستری از یک کودک با روسری و سرپند سبزرنگ نمادین، بازنمایی شده است (عکس شماره ۱۸)، دعوت به پیمودن راه امام حسین علیه السلام و حرکت در مسیر کربلا که با نوشته «الطریق الی کربلاء» بازنمایی شده است (عکس شماره ۱۹)، احساس وظیفه در مورد ادای دین نسبت به شهدا و رهبر؛ شهادایی که طبق باور زائر برای حفظ دین و مقدسات الهی، جان خود را فدا نموده‌اند و رهبری که بار هدایت ملت شیعه را به دوش می‌کشد و اکنون امکان قدم برداشتن در مسیر مقدس کربلا را ندارد (عکس شماره ۲۰)، تأسی نمودن به امام حسین علیه السلام در زیر بار ظلم و ذلت نرفتن: در واقع زائر با نوشتن عبارت «هیهات منّا الذلّة» بروی کوله‌پشتی خود، باور به این شعار امام حسین علیه السلام و نیز باور خود و تلاش برای ترویج این معنا را بازنمایی می‌کند (عکس شماره ۲۱)، امید به ظهور امام زمان علیه السلام و تلاش در زمینه‌سازی این ظهور با نوشتن عبارت «تک تک قدم‌هایم را نذر آمدنت می‌کنم یا صاحب‌الزمان» (عکس شماره ۲۲).

۵- گهواره علی اصغر، ضریح یا صحن، پنجه فلزی، پیکره

ابژه‌های نمادین مورد استفاده در ایام عزاداری محرم، در فضای مناسکی اربعین هم اگر چه کم، ولی در برخی از موکب‌ها و محل‌های تجمع زائران اربعین مورد استفاده قرار می‌گیرد. این اشیاء با ایجاد فضایی که یادآوری کننده صحنه‌هایی از عاشورا هستند، سهم مهمی در نزدیک شدن ذهن افراد به امر قدسی ایفا می‌کنند. گهواره علی اصغر، معصومیت طفل شش ماهه امام حسین علیه السلام - که بی‌گناه در کارزار کربلا کشته شد - را بازنمایی می‌کند و مؤمنین معتقد، با توسل به این وجود مقدس، حاجات خود را طلب می‌کنند. در عکس شماره ۲۳، گهواره حضرت علی اصغر با پارچه‌های سبزآذین بسته شده است، تعدادی اسکناس هم در آن دیده می‌شود که نذر حاجتمندان است. در عکس شماره ۲۶ هم گهواره‌ای که با پارچه سبز آن را پوشانده‌اند، در مسیر زائران اربعینی قرار داده شده است که نماد گهواره علی اصغر امام حسین علیه السلام است. زائران معمولاً بریده پارچه‌های سبزرنگ باریکی که به آن «نیاز» می‌گویند را به عنوان نمادی از توسل و حاجت‌خواهی به گهواره می‌بندند و نذر می‌کنند و یا مقداری پول نذری در آن می‌گذارند. این

نوع توسل و حاجت خواهی در مورد ضریح نمادین امام حسین علیه السلام هم دیده می شود. در تحلیل این واقعیت می توان گفت که برای معتقدان به یک مذهب، نمادها می توانند مجرایی باشند که از خلال آنها موجودات و نیروهای (قدسی) عمل کنند و به عبارتی ویژگی نمادها «انکشاف امر قدسی» است.

در عکس شماره ۲۴، ضریح یا صحن به عنوان نمونه دیده می شود. این ضریح نمادین از آنجا که یادآور ضریح واقعی است، برای عامه مردم همان قداست را دارد؛ چرا که انسان ها، به چیزهایی برای صحبت کردن با آنها، تمرکز کردن بر آنها و حتی بدست گرفتن و لمس کردن آنها نیاز دارند. نمادها به ما تجربه پیوسته ای از امر قدسی می دهند و همچنین نشانه هایی از واقعیت امر قدسی به واسطه تأثیراتش در زندگی و دنیای ما ارائه می دهند. در فرهنگ نمادین، صحن اساساً به محلی بستگی که با وسیله ای خاص محصور شده اطلاق می شود. باستان شناسان در جهان سلتی، صحن هایی دایره، مستطیل و مربع، متعلق به اعصار پیشاتاریخی و یا متعلق به عصر گالیایی - رومی کشف کرده اند. با این همه صحن به صورت دایره کمیاب بوده، شاید به این دلیل که دایره نماد آسمان است. صحن نماد حد و مرزی مقدس و مکانی غیر مجاز برای عموم و غیر سالکان بود (همان، ۱۲۹۶).

در عکس شماره ۲۵، پنجه فلزی که یکی از ابژه های نمادین مورد استفاده در دسته ها و هیئت های سنتی و قدیمی است در مسیر پیاده روی اربعین توسط زائری حمل می شود. این شیء نمادین که از جنس برنج و مس و گاه نیز ورشو و نقره است عمدتاً با اذکار و اسامی پنج تن یا نام حضرت ابالفضل علیه السلام تزئین می شود. پنجه هم معنای «پنج تن آل عبا» (حضرت محمد صلی الله علیه و آله، حضرت زهرا علیها السلام، امام علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام) را بازنمایی می کند و هم نماد دست های قطع شده حضرت ابالفضل علیه السلام در روز عاشورا است که مردم آن را یک شیء مقدس و وسیله توسل به پنج تن آل عبا و حضرت ابالفضل علیه السلام می دانند. در واقع، پنجه در باورهای عامه، نماد قدرت اولیاء و معصومین انگاشته می شود. از طرفی در فرهنگ نمادین، اسلام پنج را عدد مبارک می داند و برای این عدد رجحانی قایل شده است: ستاره پنج پر، پنج حس، پنج نماز،

خمس اموال، آداب حج، انواع روزه، بخش‌های مختلف وضو، حلالیت روز جمعه، خمس گنج و دفینه و غنیمت، پنج نسل در انتقام قبیله‌ای، پنج کلید قرآن مجید در راز عرفان و پنج انگشت دست فاطمه زهرا علیها السلام (شوالیه و گبران، ۱۳۹۷: ۴۰۸).

پیکره یکی دیگر از ابژه‌های نمادینی است که در مسیر پیاده‌روی زیارتی اربعین در موکب‌های عراقی‌ها فراوان به چشم می‌خورد. پیکره‌هایی که مانند شمایل روی پرچم‌ها، یادآور امام حسین علیه السلام و دیگر شهدای کربلا یا زنان و کودکان کاروان اسرا می‌باشند. این پیکره‌ها به طور مثال شامل: پیکر امام علیه السلام و یارانش (شکل ۲۷)، سر بریده خونین (شکل ۲۸)، دست‌های بریده شده از بازو، بدن‌های بی سرو مشک آب و جوی خون می‌باشد. زائران با مشاهده چنین صحنه‌هایی، با مصائبی که در حادثه کربلا برای امام حسین علیه السلام، اهل بیت علیهم السلام و یارانش رخ داده هم‌ذات‌پنداری نموده و بر مظلومیت‌شان می‌گیرند. پیکره یکی از نمادهای هم‌ذات‌پنداری است، هم‌ذات‌شدن انسان با ماده‌ای زوال‌پذیر. هم‌ذات‌شدن انسان با یک جامعه یا فردی دیگر. هم‌ذات‌شدن با یک رویداد تاریخی. پیکره، همجنس شدن انسانی با تصویر خودش است. در هنگام عرضه لباس در خیاط‌خانه‌ها هم بینندگان خود را در لباسی که پیکره برتن دارد می‌بینند. یعنی پیکره انعکاس خود آنهاست و یا انعکاس فردی که بر آن تمرکز داشته‌اند و محور توجه بوده و رویدادی خاص براو حادث شده است. این اسطوره هم‌ذات‌پنداری است که به برکت وجود پیکره‌ها شکل می‌گیرد (شوالیه و گبران، ۱۳۹۸: ۴۲۸).

۶- چفیه و عبا

لباس یک نماد بیرونی از فعالیت روحانی و معنوی است. شکل مرئی انسان درونی است. با این همه نماد جامه، وقتی چیزی جز یک لباس متحدالشکل بدون ارتباط با شخصیت است، می‌تواند علامت براندازنده واقعیت بشود. لباس‌ها به ما تشخص و تایید اجتماعی داده‌اند. لباس، نشان دهنده تعلق به جامعه‌ای مشخص است؛ جامعه‌ای خاص که به او قداست می‌دهد. در سنت اسلامی تعویض آیینی جامه، نشانه عبور از جهانی به جهان دیگر است؛ اما برخی از لباس‌ها تغییر و تحولی عمیق را نشان

می دهند و بار معنایی خاصی را دارا هستند؛ مانند خرقة یا عبا که وقتی به کسی اعطا می شود نشانه عبور از عالم غیر مذهبی به عالم مذهبی است و رفتن از زمین ابراهیم به ملکوت سماوات است. در حج عرفانی، سالک از دوازده عالم می گذرد، از دوازده حجاب نورو بدین گونه تغییر جامه می دهد. تغییر و تعویض جامه، نماد مرحله ای درونی است که فرد بدان نایل شده است. جامه روح از برای پیشروی، قدم به قدم، تا اشراقی ملکوتی است (همان، ۵۲، ۵۲). به عبارتی دیگر، یکی از شیوه های متعددی که یک جامعه، ایده ها و ارزش های خودش و همچنین هویتش به مثابه یک جامعه را تجسم می بخشد، انتخاب نوع خاصی از پوشش به ویژه برای موقعیت های آیینی است. استفاده از چفیه، توسط مردان و عبا ی عربی توسط زنان غیر عرب را هم به نوعی می توان پوششی نمادگونه تفسیر نمود؛ چرا که هویت «زائر اربعینی بودن» فرد را بازنمایی می کنند. در عکس شماره ۲۹، یک دختر جوان و در عکس شماره ۳۰، مردی میانسال که ایرانی هستند، از عبا و چفیه به عنوان پوششی نمادین برای زیارت اربعین استفاده کرده اند.

۷- تربت

تربت یکی از ابژه های نمادین مهمی است که زائر امام حسین علیه السلام در هنگام مراجعت از کربلا به عنوان سوغات همراه خود می برد؛ گویی که این تربت مقدس نشانه ای برای اثبات زائر شدن اوست. اهمیت و مرکزیت تقدس امام حسین علیه السلام و سرزمین کربلا، یعنی جایی که هم فاجعه کربلا در آن رخ داده است و هم اینکه بدن امام حسین علیه السلام و یارانش در آن دفن شده است، در مقوله تربت امام حسین علیه السلام تجلی یافته است. تربت به نوعی تمام این باورها و مکانیسمی برای عینی سازی و ارتباط مادی با جهان قدسی کربلا و بستری برای توزیع نمادین مادی این تقدس، به زمان ها و مکان هایی غیر از کربلا است. به همین دلیل تربت به یک امر مناسکی، در برداشتن آن از خاک کربلا، نحوه نگهداری، نحوه کاربرد و زمینه های کاربرد آن تبدیل شده است. از ابتدا تا انتهای زندگی، حضور تربت را می توان دید: کام نوزادان را با تربت برمی دارند و عده ای بعد از مرگ هم، آن را در کفن خود می گذارند. تربت برای رفع رنج و ترس از حکام نیز کاربرد دارد. سجده بر تربت

امام حسین علیه السلام و تسبیح گفتن با دانه‌هایی از خاک کربلا، سبب پذیرش نماز و نیایش می‌شود. در درمان بیماری‌ها و مشکلات، بسیار موثر است. همه اینها بخاطر اهمیت قدسی تربت است. تنها خاکی که خوردنش حرام نیست، تربت است و کاملاً کاربرد دارویی یافته است. تربت هم ارز و تا حدودی برتر از حجرالاسود دانسته شده است و فرشتگان آسمانی به حرمت تقدس آن آگاه هستند (همان). موقعیت قدسی بسیار خاصی که تربت کربلا دارد، سبب شده توانایی‌هایی خاصی در رفع موضوعاتی که سبب ایجاد مسئله معنا هستند، داشته باشیم. هم بیماری‌ها و هم مشکلات بیرونی مانند فشار حکام مخالف شیعی را و در نهایت، تضمینی برای کسب معنویت و بهشتی شدن است. به همین دلیل آداب دقیقی وجود دارد که تربت از فاصله دقیقی از خاک پیرامون قبر امام علیه السلام باید برداشته شود و در شرایط خاصی نگه داشته شود، باید با شرایط خاصی به کار برده شود تا موثر باشد. با توجه به مجموعه احادیث پیرامون تقدس امام حسین علیه السلام، کربلا و تربت آنجا، مناسک زیارت به عنوان یکی از مهمترین راهبردهای اولیه تشیع برای گسترش ایمان شیعی و حفظ پیروان و در عین حال، اعلان مخالفت سیاسی خود با نظام حاکم شکل گرفت (رحمانی، ۱۳۹۴: ۱۰۷).

در عکس شماره ۳۱ یک جوان عراقی در حال تقسیم مقداری تربت بین زائران ایرانی است و در عکس شماره ۳۲ هم یک زن زائر دیده می‌شود که مقداری تربت خریده و در بین سوغاتی‌های خود می‌گذارد.

۸- پارچه متبرک

زائران مسیر پیاده‌روی اربعین مانند زوار سایر اماکن مقدس معمولاً پارچه‌های متبرک را به عنوان شال، دستبند یا پیشانی بند (عکس شماره ۳۴) استفاده می‌کنند و یا تکه کوچکی از آن را به لباس خود وصل می‌کنند تا قداست این پارچه متبرک به جسم و جان‌شان سرایت کند. در فرهنگ نمادها، تبرک به معنی انتقال نیروهای الهی است. تبرک کردن در واقع به معنای مقدس کردن است. به وسیله نفس، مسح یا کلام، به عبارت دیگر نزدیک شدن به ولی الله که بالاترین شکل نیروی کیهانی است. پارچه و نخ نماد

سرنوشت هستند. آنها برای نشان دادن آن چیزی هستند که مقدر می‌شود و یا در سرنوشت دخالت دارد (شوالیه و گبران، ۱۳۹۷: ۴۵۵). متبرک کردن پارچه و بستن آن بر بدن بر همین امر حکایت دارد که فرد با استفاده از آن و با بهره از نیروی ماورایی به دنبال سرنوشتی نیکو برای خود است. پارچه‌های متبرک برای تزئین گهواره علی اصغر (عکس شماره ۳۳)، علم‌ها و علامت‌ها هم استفاده می‌شود. این پارچه‌های متبرک معمولاً به رنگ سبز هستند. سبز، رنگ سلطنت گیاهان است و سبزی آن از آب‌های جانبخش به دست می‌آید؛ همانگونه که غسل نیز تمامی مفهوم نمادین خود را به آب مدیون است، سبزی بیداری آب‌های اولیه و بیداری زندگی است (شوالیه و گبران، ۱۳۹۷: ۱۰۴۲). سبز، رنگ آب است، همانگونه که سرخ، رنگ آتش است و از همین جا است که انسان همواره به طور غریزی ارتباط این دو رنگ را مشابه چیزی از جوهر و هستی خود دانسته است. سبز، در ارتباط با صاعقه است. سبز که آرامش بخش، تازه کننده و آهنگین است در بناهایی که نیاکانمان در صحرا و بیابان بر می‌افراشتند، تقدیس می‌شد. پرچم اسلام سبز است و سبز برای مسلمانان نشانه سلام و سلامت و نماد تمام ثروت‌ها اعم از مادی و معنوی است. عبای رسول الله سبز بود، فاطمه دخترش و دامادش علی و دو فرزندش امام حسن و امام حسین علیهما السلام در هنگام خطر زیر عبای ایشان پناه می‌گرفتند و از این رو است که آن را خامس آل عبا می‌خوانند. این چهار تن در عین حال چهار ستونی هستند که حضرت محمد صلی الله علیه و آله بر بالای این ستون‌ها مسجد خود را بنا کرده است و در شب بادیه نشینان پس از گذاشتن نماز شام، داستان شگفت خضر، آن سبز مرد را نقل می‌کند. خضر مولای مسافران است. او مظهر مشیت الهی است. خصوصیات شگفت آور سبز، چنین به ذهن متبادر می‌کند که این رنگ، رازی را پنهان دارد. رازی که نماد شناختی عمیق و نهانی از اشیاء و مقدرات است. زبان نمادها که هم زنده است و هم عرفانی، زبان سبز خوانده شده است؛ سبز خصوصیتی غریب و پیچیده دارد. سبز تصویر ژرفا، قضا و قدر است (همان).

نتیجه

زائران در فضای مناسکی اربعین به درون امر قدسی جهش می‌کنند؛ به همین دلیل پس از مناسک و بازگشت به زندگی عبادی، تغییر می‌کنند و به انسان‌های متفاوتی تبدیل می‌شوند، مگر این که تجربه پیاده‌روی اربعین آنها درست انجام نشده باشد. البته پس از تغییر فرد، جهان نیز تغییر کرده است. اکنون جهان بخشی از واقعیت گسترده‌تری است که به طور متقابل بر دنیای درون زائر تأثیر می‌گذارد، آن را اصلاح می‌کند و به کمال می‌رساند. در واقع فضای مناسکی اربعین، مجموعه‌ای از اعمال خشک و بی‌روح نیست، حتی رنج در چنین فضای معنوی و قدوسی، ناخوشایند نیست و نباید از آن گریخت. زائریه این درک می‌رسد که چگونه درد و رنج جسمی، حس گم‌گشتگی و ناکامی دنیوی را به شادکامی، حس راه‌یافتگی و کامیابی تبدیل کند و حتی به استقبال ناملایمات برود. در چنین شرایطی در ذهن زائر، هر آنچه که پیش از این می‌توانست زیان رساند، اکنون معنایی حمایت‌کننده و سازنده می‌یابد. فضای مناسکی اربعین، به واسطه نمادها، از داستان‌ها و روایت‌های مقدس کارزار عاشورا طراوت می‌گیرد؛ روایت‌هایی که مدام تکثیر می‌یابد و تجربه قدسی زائران نیز به آن افزوده می‌شود؛ از این روست که هر کس یک بار چنین فضای معنوی را تجربه کرده باشد، مشتاقانه در پی تکرار آن بر خواهد آمد و به همین دلیل است که سال به سال بر جمعیت زائران اربعینی افزوده می‌شود. اعتقادات دینی و مناسک با یکدیگر در تعامل دائمی هستند و دین در هر شکل آن، بخشی از کوششی است که صرف نگهداری و غنای گنجیه معانی می‌شود، نکته مهم اما این است که معانی می‌توانند در دل نمادها ذخیره شوند. اساسا پیاده‌روی زیارتی اربعین، حرکتی نمادین است که در دل آن معانی مختلفی هم در بعد عینی اربعین و ابژه‌ها و هم در بعد باطنی اربعین و سوژه‌ها وجود دارد. عامه شیعیان، بیشترین مشارکتشان و حتی برای عده اندکی از آنها، تنها مشارکت آیینی‌شان در مناسک عزاداری امام حسین علیه السلام است. در واقع، درک عامه شیعیان از مقدساتشان از خلال مناسک عزاداری عاشورا - چه در ایام محرم و چه در فضای پیاده‌روی اربعین - و به واسطه عواملی

از جمله نمادهای مقدس، به درون زندگی آنها تسری پیدا می‌کند؛ یعنی عامه شیعیان وقتی می‌خواهند خدا را بفهمند یا امر قدسی شان را تجربه کنند بهترین جایی که در آن این مفاهیم را تجربه می‌کنند، آیین‌هایشان است. ما بدون تجربه آیینی امر قدسی و شناخت نمادهای مربوط به آن، نمی‌توانیم درک درستی از آن داشته باشیم. بررسی اطلاعات جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که مهمترین ابژه‌های نمادینی که در فضای مناسکی اربعین مورد استفاده قرار می‌گیرند شامل پرچم، کتیبه، پارچه نوشته، بنر، سربند، کوله پشتی، گهواره علی اصغر، ضریح نمادین امام حسین علیه السلام، پنجه فلزی، پیکره، تربت و پارچه متبرک است. به کار بردن هر کدام از این ابژه‌های نمادین، معانی مقدس خاصی را بازنمایی می‌کنند که در ذهن سوژه‌ها زنده هستند و مدام در تجربه‌های قدسی نوانها دوباره بساخت می‌شوند. بنابراین اگرچه این نمادها به لحاظ بازنمایی از معانی مقدس، نوبه نودر حال تغییر هستند اما ذهن ما را در یک مسیر مشخص و خاص هدایت می‌کنند که تا حدی قابل توصیف و تفسیر است.

در استفاده از پرچم، کتیبه، پارچه نوشته، بنر مهمترین معانی بازنمایی شده شامل این موارد است: ۱- اقامه عزای حسینی ۲- ابراز ارادت، توسل و اقتدا نمودن زائران به امام علیه السلام، علمدار کربلا و سایر شهدا ۳- در پناه امر قدسی بودن ۴- ناظر و شاهد دانستن امام علیه السلام و شهدای کربلا و باور به برپا بودن مکتب و ادامه داشتن راه آنها ۵- اعلام حضور عشیره، قوم و ملیت‌های مختلف در حرکتی مقدس ۶- سربلندی و سرافرازی زائر اربعینی ۷- طی طریق زائران با یک هدف محوری مشترک ۸- اعلام آمادگی برای ظهور امام زمان علیه السلام.

کتیبه‌ها و پارچه نوشته‌ها نیز معانی مشابه را بازنمایی می‌کنند که بیشتر در قالب شمایل‌نگاری و تصویرگری است. از طریق این ابژه‌های نمادین، وقایع مختلف کربلا در کنار معانی و مضامین اخلاقی مانند شجاعت، گذشت، وفاداری و عشق بازنمایی می‌شود که توجه سوژه‌های زائر را به خود جلب می‌کنند.

بر روی برخی از بنرها، در کنار تصاویر عاشورایی، نام معصومین، مضامین دعایی خطاب به امام حسین علیه السلام و ذوات مقدس و نیز تصاویری از شهدای جنگ ایران و عراق و

شهدای مدافع حرم نیز مشاهده می‌شود. استفاده از تصاویر شهدا در موبک‌ها بیانگر این معنا است که این شهدا، با هدفی مقدس، در امتداد نهضت عاشورا و اتصال به وجود مقدس امام حسین علیه السلام به شهادت رسیده‌اند.

در بررسی نمونه‌های مربوط به سربند و کوله، که از ایژه‌های نمادین مهم در فضای مناسکی اربعین هستند، غالباً چنین معانی‌ای بازنمایی شده‌اند: ۱- قدم برداشتن زائر به عنوان رزمنده اسلام و ادامه دهنده راه امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا ۲- پای بندی به حجاب برای پاسداشت حریم حضرت زینب ۳- پیام وحدت میان عاشقان امام حسین علیه السلام ۴- امید به استمرار عشق به امام حسین علیه السلام در نسل آینده ۵- دعوت به پیمودن راه امام حسین علیه السلام و حرکت در مسیر کربلا ۶- احساس وظیفه در مورد ادای دین نسبت به شهدا و رهبر؛ شهدایی که طبق باور زائر برای حفظ دین و مقدسات الهی، جان خود را فدا نموده‌اند و رهبری که بار هدایت ملت شیعه را به دوش می‌کشد و اکنون امکان قدم برداشتن در مسیر مقدس کربلا را ندارد ۷- تاسی نمودن به امام حسین علیه السلام در زیر بار ظلم و ذلت نرفتن ۸- امید به ظهور امام زمان علیه السلام و تلاش در زمینه‌سازی این ظهور. در واقع، سربند و کوله پستی حاملان پیام زائر و معنا بخش به حرکت او در مسیر پیاده روی هستند. زائر با استفاده از این اشیاء نمادین، حرکت خود را برای تحقق هدفی متعالی به شاهدان معرفی می‌کند. در بین زائران اربعینی، ایرانی‌ها بیش از دیگران از سربند استفاده می‌کنند که این موضوع تحت تأثیر حافظه تاریخی آنها در دوران دفاع مقدس و تشبیه کردن صحنه پیاده روی اربعین به یک جبهه مقدس است که نشانه گرایش هویت گرایانه این دسته از زائران است. در واقع زائر با انتخاب چنین سربندی، هم عشق خود به امام حسین علیه السلام را نشان می‌دهد و هم هدفی متعالی و هویتی خاص از خود را بازنمایی می‌کند که در مورد استفاده از نوشته‌ها و شعارهای روی کوله پستی‌ها و پیکسل‌ها هم صدق می‌کند.

استفاده از اشیائی مانند گهواره علی اصغر، ضریح، پنجه فلزی، پیکره در فضای مناسکی محرم و اربعین، معانی خاصی را بازنمایی می‌کنند از جمله: ۱- معصومیت طفل شش ماهه امام حسین علیه السلام که بی‌گناه در کارزار کربلا کشته شد، ۲- بریده شدن دستان

حضرت ابوالفضل علیه السلام در روز عاشورا؛ هنگامی که برای پرکردن مشک آب و سیراب کردن کودکان با سپاه دشمن درافتاد، ۳- قدرت و قداست پنج تن آل عبا ۴- معنویت و قداست ضریح امام حسین علیه السلام ۶- مظلومیت امام حسین علیه السلام، شهدای کربلا و زنان و کودکانی که به اسارت دشمن درآمدند.

در واقع نمادها، با تأثیراتی که بر افراد و گروه‌ها می‌گذازند آنها را به سمت کنش خاصی متمایل می‌کنند؛ مثلاً ابژه‌های نمادینی مانند: گهواره علی اصغر، ضریح و پنجه فلزی و پیکره‌ها با تأثیر بصری بر مشاهده‌گران و ایجاد فضایی که یادآوری‌کننده صحنه‌هایی از عاشورا هستند، سهم مهمی در نزدیک شدن ذهن افراد به واقعه عاشورا، درک مصائب آن و آمادگی برای اجرای مناسک عزاداری و نیز حاجت خواهی ایفا می‌کنند. در واقع برای شیعیان، این نمادها، مجاری‌ای هستند که از خلال آنها، موجودات و نیروهای «قدسی» عمل می‌کنند؛ چرا که ویژگی نمادها، «انکشاف امر قدسی» است. در این میان ابژه‌های نمادینی مانند تربت و پارچه متبرک به نوعی، معنای شفاء یافتن و قدرت تصرف الهی امام معصوم و ویژگی مقدس خاک کربلا را بازنمایی می‌کنند. در ارتباط با نمادین بودن استفاده از عبا و چفیه در فضای پیاده‌روی اربعین می‌توان اینگونه تحلیل نمود؛ بسیاری از زنان ایرانی که شاید در حالت روزمره و زمان عادی زندگی خود، چادر یا عبا نمی‌پوشند در این مسیر از عبا- که چادر مخصوص عراقی‌هاست- استفاده می‌کنند که به خودی خود، به یکدست شدن زائران- سوی ملیتی که به آن تعلق دارند- و ایجاد حس نزدیکی و همبستگی میان زائران ایرانی و عراقی کمک می‌کند. در مورد استفاده مردان از چفیه هم این موضوع به نوعی مصداق دارد، ضمن اینکه معنای رزمنده بودن زائر اربعینی را بازنمایی می‌کند؛ مفهومی که یادگار و میراث دوران دفاع مقدس ایرانی‌ها محسوب می‌شود و از طرف دیگر نماد مسجدالاقصی و در حمایت از مردم مظلوم فلسطین در تضاد با صهیونیست و اشغال‌گران فلسطین است. به عبارتی فضای مناسکی اربعین با ارائه الگوی رفتاری خاص برای زائران- که پوشش را نیز شامل می‌شود- موجب یکپارچگی و انسجام آنها می‌شود.



شکل ۳



شکل ۲



شکل ۱



شکل ۶



شکل ۵



شکل ۴



شکل ۹



شکل ۸



شکل ۷



شکل ۱۲



شکل ۱۱



شکل ۱۰



شکل ۱۵



شکل ۱۴



شکل ۱۳



شکل ۱۸



شکل ۱۷



شکل ۱۶



شکل ۲۱



شکل ۲۰



شکل ۱۹



شکل ۲۴



شکل ۲۳



شکل ۲۲



شکل شماره ۲۷



شکل ۲۶



شکل ۲۵



شکل ۲۰



شکل ۲۹



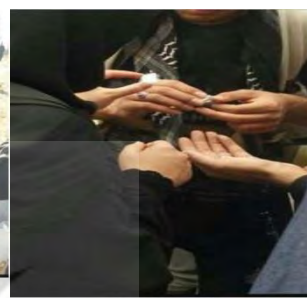
شکل شماره ۲۸



عکس شماره ۲۲



شکل ۳۲



شکل شماره ۳۱



عکس شماره ۲۴

منابع

- تقی زاده داوری، محمود و امید بابایی (۱۳۹۵)، تفسیر نمادهای دینی در مناسک شیعی (مطالعه موردی نخل گردانی در ایبانه)، فصلنامه شیعه شناسی، سال چهاردهم، شماره ۵۳.
- رحمانی، جبار، (۱۳۹۴)، آیین و اسطوره در ایران شیعی، تهران، انتشارات خیمه.
- شوالیه، ژان و آلن گبران (۱۳۹۷)، فرهنگ نمادها، جلد اول، دوم، سوم، ترجمه سودابه فضایی، انتشارات جیحون.
- شوالیه، ژان و آلن گبران (۱۳۹۸)، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی، کتاب سرای نیک.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۶)، «نگاهی بر رویکرد تفسیری کلیفورد گیرتز با تأکید بر تفسیر او از پدیده دینی»، مجله مطالعات جامعه‌شناختی، ش ۳۱.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
- Sherratt, Yvonne (2006), *Continental Philosophy of Social Science*, Cambridge University Press.

